

# صراط

## در نظام حکمت صدرایی

علیرضا اسعدی\*

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

### چکیده

با توجه به روایات متعدد از ائمه (ع)، صراط از مواقف قیامت است اما اختلاف روایات در مورد آن، بستر تفسیرهای متفاوتی را فراهم ساخته و هر یک از اندیشمندان بزرگ اسلامی، تبیین ویژه‌یی از صراط بدست داده‌اند. ملاصدرا در مقام فیلسوف و مفسر قرآن کریم، بر اساس مبانی فلسفی خاص خود و با در نظر گرفتن روایات ائمه (ع)، در تبیین عقلی این آموزه کوشیده و بر این مبنا که قیامت را باطن دنیا میداند، پل صراط را بروز و ظهور و تجسم صراط دنیوی انسان و باطن آن دانسته است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی، ضمن شرح و بسط دیدگاه ملاصدرا درباره حقیقت صراط و مسائل پیرامونی آن، نظیر کاربردها و ویژگیهای صراط، تجسم صراط در آخرت، رابطه صراط با ائمه و اولیای الهی و نیز معیار سعه و ضیق صراط و نیز اشاره اجمالی به نکات مطرح در آیات و روایات درباره این مسائل، به سنجش تبیین صدرایی بر اساس آموزه‌های دینی میپردازد و میکوشد میزان سازگاری تبیین صدرایی با آیات و روایات را نشان دهد.

### کلیدواژگان

صراط  
آخرت  
مواقف قیامت  
ملاصدرا

### مقدمه

معادشناسی از منظر ملاصدرا از آن جهت که مشتمل بر شناخت احوال قبر، بعث، حشر، حساب، کتاب، میزان و صراط و... است، رکن بزرگی در ایمان، حکمت و عرفان و از پیچیده‌ترین علوم و در عین حال از شریفترین آنهاست. روشن شدن مسائل معاد، منوط به داشتن بصیرت و قلبی نورانی است. ملاصدرا علیرغم ادعان به تلاش بزرگان و مشاهیر فلسفه در این راه، معتقد است افکار ایشان از شناخت منازل معاد و مواقف آن عاجز است زیرا بعقیده او، آنها انوار حکمت خود را از مشکلات نبوت پیامبر ختمی مرتبت اقتباس نکرده‌اند؛ تا آنجا که ابن سینا، که شیخ فلاسفه مشاء بشمار می‌رود، ناتوانی خود از اثبات معاد جسمانی با دلایل عقلی را پذیرفته است!

\*.Email: asady50@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۷/۶/۲۵

۱. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۲۵۰-۲۴۹.

ملاصدرا با همین رویکرد به مسئله معاد، بتفصیل به بررسی عناصر مهم درباره این آموزه، از جمله صراط پرداخته است. تبیینهای اندیشمندان بزرگی همچون ملاصدرا که دارای اصول فکری و نظام فلسفی خاص هستند، از چنین آموزه‌هایی، از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد آموزه‌های اسلامی قابلیت تبیین عقلی و فلسفی مناسب را دارند و بر اساس این تبیینها میتوان برخی شبهات و اشکالات را پاسخ داد.

در این مقاله پس از تبیین ملاصدرا از صراط و ویژگیهای آن و نیز بیان محورهای اصلی مستفاد از روایات درباره این آموزه، به سنجش تبیین صدرایی بر اساس روایات میپردازیم.

### تبیین حقیقت صراط

ملاصدرا ذیل تفسیر آیه شریفه «اهدنا الصراط المستقیم؛ ما را به راه راست راهبر باش»<sup>۱</sup>، صراط را در لغت بمعنای راه روشن و وسیع دانسته و حقیقت صراط، مستقیم بودن آن و حرکت بر آن و انحراف از آن را از آن دسته معارف قرآنی میداند که تنها از طریق مکاشفه و مشاهده قلبی میتوان به آنها دست یافت؛ دیگران تنها از باب تسلیم و ایمان به غیب آن را میپذیرند نه با بصیرت حاصل از یقین<sup>۲</sup>. در عین حال، او بمناسبتهای مختلف، از جمله در مباحث معاد، گاهی بصورت مستقل و گاهی در ضمن مواقف قیامت، و همچنین در مباحث تفسیری خود، پرتوی از آن را ارائه و بر این اساس که حرکت بسوی خداوند به دو گونه فطری (غریزی) و اختیاری (ارادی) انجام میشود، تبیین کرده است.

بر اساس تبیین ملاصدرا، همه موجودات جهان ماده دارای حرکتی جبلّی، فطری و غریزی بسوی خداوند هستند که علت العلل همه موجودات است.

این حرکت، حرکتی تکوینی و غیرارادی است و لذا از انحراف و اعوجاج بدور است. اما انسان علاوه بر این حرکت جوهری عام و جبلّی، حرکت ذاتی دیگری نیز دارد که با اراده خویش در طلب آن چیزی بر می‌آید که خیر و کمال میداند و آن حرکت بر منهج توحید و روش موحدان، یعنی پیامبران و اولیا و پیروان ایشان است که هرگونه زاویه گرفتن از آن، انحراف بشمار می‌آید.

صراط، دین حق و دین توحید است که آیاتی نظیر «اهدنا الصراط المستقیم»<sup>۳</sup>، «قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة أنا و من اتبعني و ما أنا من المشركين؛ بگو این است راه من، که من و هر کس (پیرویم) کرد با بینایی بسوی خدا دعوت میکنیم، و منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم»<sup>۴</sup>، و «إنك لتهدى الى صراط مستقیم صراط الله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض ألا الى الله تصير الامور؛ براستی که تو بخوبی به راه راست هدایت میکنی، راه همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. هشدار که [همه] کارها به خدا باز میگردد»<sup>۵</sup> بر آن دلالت میکند. این صراط ویژه مؤمنان به الله و غایت آن لقای الله است ولی غایت حرکت جبلّی سایر موجودات، هر چند مظهر اسمی از اسمای الهی باشد، مظهر اسم اعظم الله نیست<sup>۶</sup>.

۱. فاتحه/ ۶.

۲. همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ذیل آیه ۶ سورة فاتحه.

۳. فاتحه/ ۶.

۴. یوسف/ ۱۰۸.

۵. شوری/ ۵۳-۵۲.

۶. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۳۹۵-۳۹۴؛ همو، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، ص ۳۴۴؛ همو، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۱۰۳۵؛ همو، المظاهر الالهیة فی علوم الکمالیة، ص ۱۲۱؛ همو، اسرار الآیات، ص ۳۱۷-۳۱۶؛ همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ذیل آیه ۶ سورة فاتحه.

## ■ ملاصدرا

### مسیری که انسان

در طول حیات دنیایی خود،  
از استعداد تا ملکوت و قدس،  
طی میکند را «صراط» مینامد و  
تأکید میکند که صراط باید  
مستقیم باشد وگرنه  
انسان به جهنم سقوط میکند.

وگرنه انسان به جهنم سقوط میکند.<sup>۸</sup>

### تبیین ویژگیهای صراط

ملاصدرا پس از تبیین معنای صراط میکوشد نشان دهد تبیین او با ویژگیهایی که در روایات برای صراط آمده است، سازگاری دارد؛ از جمله اینکه، در روایات دو صفت برای صراط آمده است: باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر. او در توضیحی هماهنگ با تبیین پیشگفته، سه مرحله صراط طبیعی، نباتی و حیوانی را مختص انسان نمیداند بلکه معتقد است صراط اختصاصی انسان پس از این سه مرحله آغاز میشود. صراط انسانی با دو بال عقل و عمل طی میشود. کمال انسان در گرو بکارگیری عقل نظری و عقل عملی است. عقل نظری در حوزه مسائل دقیق و باریکتر از مو وارد میشود بگونه‌یی که یک انحراف کوچک انسان را به دور دست پرتاب میکند. بنابراین وقتی گفته میشود «صراط باریکتر از مو است»، یعنی صراط بلحاظ عقل نظری چنان دقیق است که عقل نظری در صورت کمترین غفلت، از صراط بیرون میرود.

۸. همو، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، ص ۳۴۴ -

ملاصدرا در توضیح حرکت استکمالی انسان، به مراحل مختلف آن همچون استعداد بعید، نطفه، صورت طبیعی و معدنی و صورت حیوانی اشاره میکند. بگفته وی انسان پس از تولد، حیوان بالفعل و انسان بالقوه است و در دنیا، اراده‌های او در سیر استکمالی او دخالت دارند و او بسوی انسانیت حرکت میکند.

ادراکات انسان با ادراک حسی آغاز میشود. اگر انسان این صورتها را با نیت خیر ادراک کند و زمینه توجه به خدا قرار دهد، راه او را به هدف نزدیک میکند. ولی اگر آنها را برای سیر کردن طبیعت خود و پاسخگویی به آن و تبعیری برای راضی کردن شیطان تحصیل کند، از هدفش دور میشود. اما اگر راه را مستقیم بپیماید، به عالم انسانیت وارد میشود و قابلیت ورود به عالم عقول را نیز پیدا میکند. پس انسان ابتدا تلاش میکند نشئه حسی و جسم خود را که مرکز قوای نفس است، تکمیل کند و در صورت نیاز، تعمیر و آراسته سازد و سپس از آن برای سفر بعدی خود که سیر الی الله و سیر بسوی نشئه دیگر است، بهره گیرد. سپس، وقتی نشئه حسی تکمیل و تعمیر شد و جنود آن قوی گردید، به تحصیل نشئه دیگر میپردازد. این حرکت یک حرکت جبلی و فطری است.

همه موجودات از حرکت فطری بسمت کمال برخوردارند ولی انسان حظ و بهره بیشتری از آن دارد، زیرا اولاً از سعه وجودی بیشتری برخوردار است و ثانیاً قوس صعودی که در اختیار انسان قرار دارد، بیشتر از دیگر موجودات است. ملاصدرا مسیری که انسان در طول حیات دنیایی خود، از استعداد تا ملکوت و قدس، طی میکند را «صراط» مینامد و تأکید میکند که صراط باید مستقیم باشد

عقل عملی نیز باید بر مرز عدالت حرکت کند و همواره حد وسط را در نظر بگیرد. تنظیم مسیر دو قوه دیگر، یعنی شهوت و غضب، بر عهده عقل عملی است و این سه با هم انسان را به کمال میرسانند. افراط در قوه شهوت، حرص، در غضب، تهور و در عقل، جریزه است. تفریط در شهوت، خمود، در غضب، ترس و در عقل، بلاهت است و حد متوسط در شهوت، عفت، در غضب، شجاعت و در عقل، حکمت است. عادل کسی است که هر سه حد وسط را داشته باشد و چون در صراط باید عدالت را رعایت کرد و در حد وسط حرکت نمود و از سوی دیگر رعایت حد وسط دشوار است، گفته شده که صراط از شمشیر تیزتر است.

با توجه به آنچه گذشت، میتوان گفت صراط مستقیم دارای دو چهره است: چهره‌یی از موباریکتر و چهره‌یی از شمشیر تیزتر. چهره از موباریکتر، چهره مربوط به عقل نظری و چهره از شمشیر تیزتر، مربوط به عقل عملی. انحراف از وجه نخست، یعنی عقل نظری، موجب هلاکت است، چنانکه قرآن کریم میفرماید: «وإن الذين لا يؤمنون بالآخرة عن الصراط لناكبون؛ براستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه [درست] سخت منحرفند»<sup>۹</sup>.

از آنجاکه ایمان مشتمل بر اعتقاد صحیح است، بر اساس این آیه، کسانی که چنین اعتقادی ندارند، یعنی از حیث عقل نظری بدرستی طی طریق نکرده‌اند، از صراط منحرف شمرده میشوند و انحراف از حیث فکری و عقلی موجب هلاکت است. اما کسانی که از حیث عقل عملی دچار سکون و رکود شوند و درجا بزنند، هرچند موجب هلاکت نیست ولی بدلیل تیزی صراط آسیب میبینند. هر کس دو قوه نظری و عملی خود را با اکتساب معارف الهی و پرهیز از محرّمات و

منهیات به کمال برساند، این امکان را خواهد داشت که بسرعت از پل صراط عبور کند<sup>۱۰</sup>.

### تجسم صراط در آخرت

تاکنون دانستیم که صراط در حقیقت حرکت ارادی انسان بسوی خداوند، بر اساس تعالیم دینی و استکمال وجودی او، در ابعاد علمی و عملی است. و چنانکه ملاحظه شد، صراط در تبیین ملاصدرا بنوعی به عقل نظری و عملی برگردانده میشود و لذا ممکن است تصور شود صورتی دنیوی و این جهانی پیدا میکند، درحالیکه صراط از مواضع قیامت و مسئله‌یی اخروی است نه این جهانی. سرّ این امر آنست که در تحلیل صدرایی، پل صراط در قیامت، تجسم صراط در دنیا است و این دو پیوندی عمیق با یکدیگر داشته و بلکه عین همدند. صراط هرچند در این عالم امری معنوی و روحانی است، ولی در آخرت صورتی محسوس دارد. ملاصدرا در اینباره مینویسد:

عند كشف الغطاء يظهر لك أن النفس الأدمية السعيدة صورة صراط الله المستقيم، الذي إذا سلكته متدرجاً على منازل و مقاماته أوصلك إلى الجنة، فهو في هذه الدار كسائر الأمور الأخروية غائبة عن الأبصار، فإذا انكشف عنه الغطاء بالموت و رفع الحجاب عن عين روحك، يمد لك يوم القيامة كجسر محسوس على متن جهنم، أوله في الموقف و آخره على باب الجنة؛ وقتی پرده کنار رود برای تو آشکار

۹. مؤمنون / ۷۴.

۱۰. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۳۹۶-۳۹۵؛ همو، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، ص ۳۴۶-۳۴۵؛ همو، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۱۰۳۶؛ همو، المظاهر الالهیة فی اسرار العلوم الکمالیة، ص ۱۲۲؛ همو، اسرار الآیات، ص ۳۱۹-۳۱۸.

میشود که نفس رستگار انسان، صورت صراط مستقیم الهی است که وقتی گام بگام منازل و مقامات آن را پیمودی تو را به بهشت میرساند. پس آن در این سرا همانند سایر امور اخروی از چشمها پنهان است. آن هنگام که با مرگ پرده کنار رود و حجاب از پیش چشم روح تو برداشته شود، در روز قیامت همانند پلی محسوس بر متن جهنم امتداد می‌یابد که اول آن در موقف و آخر آن بر در بهشت است.<sup>۱۱</sup>

بگفته‌اند او صراط مستقیمی که انسان را به بهشت میرساند آن صورت هدایتی است که هر کس در دنیا از طریق اعمال قلبی و اعتقادات حق برای خود ساخته است. نفس سعید انسان، صورت صراط مستقیم الهی است و دارای حدود و مراتبی است که پیمایش تدریجی آنها او را به جوار الهی رسانده و به بهشت داخل میکند. بنابراین صراط در این دنیا همچون سایر امور اخروی، از حواس پنهان است ولی در آخرت بصورت پلی محسوس مجسم میشود که یک سرش در ابتدای موقف و طرف دیگر آن بر روی دری از درهای بهشت است. انسان در آخرت با کنار رفتن پرده‌ها می‌یابد که این صراط در دنیا پلی بر متن جهنم طبیعت او بوده است و هرگونه انحرافی از صراط موجب سقوط از فطرت و افتادن در جهنم است.<sup>۱۲</sup>

ویژگی دیگری که ملاصدرا به آن اشاره کرده است همگانی بودن عبور از صراط است. بگفته‌اند وی صراط در متن جهنم و درون جهنم است و راهی بسوی بهشت جز حرکت از مسیر صراط نیست؛ از اینرو قرآن میفرماید: «إِنَّ مِنْكُمْ إِيَّاهُ وَارِدًا كَانِ عَلَى رِجْلِكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا؛ هیچکس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد میگردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است»<sup>۱۳</sup>. به باور ملاصدرا این آیه بر

همگانی بودن ورود به آتش و عبور از صراط اشاره دارد.<sup>۱۴</sup>

سرّ همگانی بودن ورود به جهنم اینست که آخرت، مظهر دنیاست و از آنجا که همه انسانها، حتی پیامبران و اولیای الهی، به این دنیا آمده‌اند، پس همه وارد جهنم شده‌اند اما چون پیامبر و اولیای الهی بسرعت از تعلقات دنیوی گذر کرده و هیچ وابستگی به آن پیدا نکرده‌اند بلکه زندگی آنها در این دنیا توأم با صدق، صفا، امانت و... بوده است، از صراط آخرت نیز بسرعت و در یک چشم بر هم زدن یا درخشش برق، میگذرند.<sup>۱۵</sup>

### صراط و اولیای الهی

یکی از مباحث مهم درباره صراط، مسئله عینیت یا اتحاد پیامبرگرمی اسلام، امامان معصوم و اولیای الهی بلکه هر سالکی، با صراط است. ملاصدرا گاه به این امر اشاره دارد که پیامبران و رسولان صراط خداوند در دنیا هستند<sup>۱۶</sup> یا مصداق اتم صراط مستقیم نفس امیرالمومنین و اولاد معصومین ایشان است.<sup>۱۷</sup> او با بیان برخی روایات در اینباره، به کلام شیخ صدوق در

۱۱. همو، اسرار الآیات، ص ۳۲۱-۳۲۰.

۱۲. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۴۰۲-۴۰۱؛ همو، الشواهد الربوبیة فی مناهج السلوکیة، ص ۳۴۷؛ همو، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۱۰۳۸؛ همو، المظاهر الالهیة فی اسرارالعلوم الکمالیة، ص ۱۲۲-۱۲۱؛ همو، اسرار الآیات، ص ۳۲۰-۳۱۹.

۱۳. مریم / ۷۱.

۱۴. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۴۳۸؛ همو، الشواهد الربوبیة فی مناهج السلوکیة، ص ۳۶۷.

۱۵. حسینی تهرانی، معادشناسی، ج ۸، ص ۲۴-۲۱.

۱۶. ملاصدرا، المظاهر الالهیة فی اسرارالعلوم الکمالیة، ص ۱۲۲.

۱۷. همو، العرشیه، ص ۲۶۴.

الاعتقادات اشاره کرده است که از یکسو صراط را حجج الهی شمرده و از سوی دیگر، روایتی از پیامبر نقل میکند که خطاب به امام علی (ع) میفرماید: روز قیامت من و تو و جبرئیل بر صراط مینشینیم.

ملاصدرا این امر که در روایات، صراط (مسافت) و متحرک یک چیز دانسته شده را امری بظاهر شگفت‌انگیز می‌شمارد که با نگاهی محققانه و عارفانه، سخنی درست و دقیق است. البته او معتقد است در طریق آخرت که نفس انسانی آن را میپیماید نیز مسئله از همین قرار است، زیرا مسافر بسوی خداوند، یعنی نفس، در ذات خود سفر میکند و منازل را میپیماید که در ذات اوست.<sup>۱۸</sup>

مسئله مهم مورد اشاره ملاصدرا، یعنی اتحاد مسافت با متحرک، که همان صراط با سالک، بویژه ائمه اطهار و حجج الهیند، نیازمند تبیین و تحلیل است. تبیین این مسئله میتواند، تحلیل درستی از این امر بدست دهد که چگونه میتوان از یکسو صراط را حرکت بر اساس تعالیم دینی و حرکت ارادی در جهت استکمال علمی و عملی انسان، و از سوی دیگر پیامبر و ائمه (ع) دانست؛ آنگونه که در روایات آمده است. برخی اندیشمندان اسلامی معاصر اتحاد سالک و صراط را با دو تقریر تبیین کرده‌اند:

۱) دین که بر اساس آیات قرآن کریم همان صراط مستقیم است، در بردارنده عقاید، اخلاق و اعمال است، در نتیجه حرکت در صراط مستقیم نیز جز معتقد و متخلق و عامل شدن چیز دیگری نیست و اینها از ذات انسان بیرون نیست، زیرا سیر نفس آدمی در اصول دین به تحصیل عقیده است و عقیده بمعنای گره خوردن جان با یک سلسله معارف است؛ سیر انسان در اخلاق و عمل نیز به همینگونه نیازمند بستگی و گره خوردن با جان اوست. بر این اساس،

انسانهایی که معارف، اخلاق و احکام الهی را درک کرده و به آن معتقد و متصف و عامل شدند، همچون امامان معصوم (ع)، خود صراط مستقیم میشوند. در این صورت دین دو مصداق پیدا میکند: یکی مجموعه معارف و قوانین و دستوراتی که وجود نوشتاری آن در کتاب و سنت آمده است و دیگری وجود شخصی پیامبران و امامان (ع). از اینرو قرآن و عترت (ع) هر دو مصداق صراط مستقیمند.

۲) صراط در جهان خارج بصورت راهی پیش‌ساخته و کشیده شده نیست تا رونده یا سالک، آن راه موجود را ببیماید. راه همواره بالقوه موجود است و راهبان با رفتن خود آن را از قوه به فعلیت آورده، با خود متحد میکنند و در نتیجه به آن متصف میشوند. دلیل این امر آنست که مسافت و راه، وجودی جدای از متحرک ندارد؛ مثلاً درختی که ابعاد و اندازه‌هایش تغییر میکند (حرکت در مقوله کم) یا سببی که رنگ و مزه‌اش تغییر میکند (حرکت در مقوله کیف)، با حرکت خود کمیت و کیفیت را از قوه به فعلیت می‌آورند و خود به آن متصف میشوند. آنگاه میتوان گفت: این درخت چنین ابعادی دارد و این سبب چنین رنگ یا مزه‌ی دارد، وگرنه در جهان خارج کمیت و کیفیت وجودی جداگانه و راهی مستقل از رونده، نیست تا درخت یا سبب در آن حرکت کند.

حرکتهای اعتقادی، اخلاقی و عملی نیز همینگونه‌اند. قرآن کریم صراط مستقیم را همان دین معرفی میکند: «قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم دیناً قیماً»<sup>۱۹</sup>. پیش از حرکت متدینان، دین

۱۸. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۴۰۳-۴۰۲؛ همو، المظاهر الالهیة فی اسرار العلوم الکمالیة، ص ۱۲۳-۱۲۲، همو، اسرار الآیات، ص ۳۲۲-۳۲۱.  
۱۹. انعام/۱۶۱.

در خارج موجود عینی نیست تا انسان در دین موجود حرکت کند، بلکه قبل از حرکت، سلسله معارف و دستورات کلی دینی وجود دارد که با فرا گرفتن و عمل به آنها، دین عینیت می‌یابد. انسان با فراگیری دستورات کلی و حرکت اعتقادی، اخلاقی و عملی خود به دین عینیت می‌بخشد، آنگاه با آن متحد و سپس به آن متصف می‌شود. پس دین در خارج با حرکت انسانها موجود می‌شود و بین راه و رونده، پیوندی وجودی است که آن دو را با هم متحد و سپس رونده را به راه متصف می‌کند. در نتیجه با نگرشی دقیق و عمیق، و متحد دیدن سالک و مسلک، روشن می‌شود که اگر کسی سراسر دین را بخوبی فهمید و بدرستی به آن عمل کرد، خود صراط مستقیم می‌شود. اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بر همین اساس بر خود صراط مستقیم اطلاق کرده‌اند و چنین اطلاقی حقیقت است، نه مجاز یا استعاره، تشبیه یا کنایه، زیرا راه از رونده جدا نیست.<sup>۲۰</sup>

با این بیان میتوان میان روایاتی که مصادیق متفاوتی برای «صراط» بیان کرده‌اند، باسانی جمع نمود و چگونگی صراط مستقیم بودن اهل بیت نیز تفسیر روشنتری می‌یابد. افزون بر این، اگر صراط و سالک از وحدت و عینیت برخوردار باشند، چون سالکین صراط کثیرند، از دیدگاه ملاصدرا صراط دنیوی نیز در عین وحدت، از نوعی کثرت برخوردار خواهد بود. بر همین اساس ملاحادی سبزواری تصریح می‌کند که «صراط حق، در عین وحدتش، بعدد سایرین الی الله است و لهذا، اکابر گفته‌اند که «الطَّرْقُ الی الله - تعالی - بعدد أنفاس الخلائق»<sup>۲۱</sup>.

### کاربردها و گونه‌های صراط

صراط را میتوان از جهات یا به عبارات مختلف،

تقسیم کرد. در اینجا به دو تقسیم که عبارات ملاصدرا در آنها صریح است، می‌پردازیم.

### ۱- صراط دنیا و صراط آخرت

ملاصدرا با بیان روایات معصومین، که در ادامه خواهد آمد، صراط مستقیم را دو گونه میداند: صراط دنیا و صراط آخرت. ویژگی هر دو صراط استقامت و دوری آنها از هرگونه اعوجاج و انحراف است. این ویژگی بر اساس تحلیل ملاصدرا از صراط، به این دلیل است که صراط آخرت، صورت تجسم یافته صراط دنیا است. از اینرو وقتی مؤمنان در دنیا بر مرز عدالت حرکت میکنند و از هرگونه اعتقاد باطلی می‌پرهیزند، صراطشان در قیامت مستقیم به بهشت ختم می‌شود و آنها بهیچ راه دیگری نخواهد رفت.

### ۲- صراط وجود، صراط توحید و صراط شریعت

با توجه به آنچه درباره حقیقت صراط گفته شد، این نتیجه حاصل می‌شود که بر اساس میزان درجه معرفت به عقائد و باورهای دینی و نیز میزان التزام به اخلاق و احکام الهی، نحوه عبور افراد از صراط در قیامت متفاوت خواهد بود و همگان وضعیت یکسانی ندارند. ملاصدرا با تأکید بر اینکه صراط گذرگاه بهشت و مشتمل بر شرع نورانی است - یعنی با انجام کارهایی که در شریعت آمده میتوان از آن عبور کرد و به بهشت رسید- به آیه شریفه «وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُمُ عَنْ سَبِيلِهِ؛ وَ [بدانید] این است راه راست من؛ پس از آن پیروی کنید و از راهها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد، پیروی نکنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن

۲۰. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۴۹۸-۴۹۵.

۲۱. سبزواری، اسرار الحکم، ص ۴۳۵.

سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید»<sup>۲۲</sup>، اشاره کرده و مینویسد: چون پیامبر اکرم(ص) این آیه را تلاوت کرد خطی کشید و در اطراف آن چند خط دیگر رسم کرد. بنابراین صراط مستقیم همان صراط توحید است که همه پیامبران و پیروان آنها آن را پیموده‌اند و راه غیرمستقیم، راههای گمراهان است.<sup>۲۳</sup> او در شرح و توضیح این حدیث و بر مبنای باور به تشکیکی بودن صراط<sup>۲۴</sup>، به سه گونه یا مرتبه کلی صراط اشاره کرده است: صراط وجود، صراط توحید و صراط شریعت. افراد بر اساس اعتقادات و اعمالشان قدم بر این صراطها میگذارند. صراط وجود از آن کسانی است که وجود خداوند را میپذیرند و به آن باور دارند. از اینرو همه معتقدان به وجود خداوند قدم بر صراط وجود مینهند. اما منکران وجود حق تعالی گام بر این صراط نخواهد گذاشت. صراط توحید از آن کسانی است که به وجود خداوند باور دارند و برای او شریکی قائل نیستند اما کسانی که اعتقاد آنها به شرک آلوده شده است نمیتوانند بر صراط توحید قدم گذارند و از آن عبور کنند.

سومین صراط، که میتوان آن را صراط شریعت نامید، هرچند ملاصدرا این تعبیر را بکار نبرده است، از آن کسانی است که نه تنها به وجود و یگانگی خداوند باور دارند که به احکام شرعی نیز ملتزمند. البته کسانی که حریم شریعت را نگه نداشته و به گناه آلوده شده‌اند، یعنی فاسقان، بدلیل اعتقاد به توحید پا بر صراط توحید میگذارند و در نهایت از صراط عبور میکنند و در عذاب جهنم جاویدان نخواهند بود، هر چند در روز قیامت مؤاخذه خواهند شد و کیفر اعمال و رفتار ناپسندشان را خواهند دید.<sup>۲۵</sup>

### معیار سعه و ضیق صراط

ملاصدرا در اسفار تحت عنوان تنویر قرآنی و با

استشهاد به آیه شریفه «یوم تری المؤمنین و المؤمنات یسعی نورهم بین ایدیهم و بایمانهم؛ آن روز که مردان و زنان مؤمن را میبینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است»<sup>۲۶</sup>، به ملاک و معیار سعه و ضیق صراط پرداخته و به این پرسش پاسخ داده است که چرا صراط برای برخی پهن و وسیع و برای برخی باریک است. بعقیده وی صراط در روز قیامت برای افرادی که بر آن عبور میکنند باندازه نور یقین آنها آشکار میشود و به هر اندازه که نور یقین آنها بیشتر باشد، سرعت حرکت آنها نیز بیشتر است. بنابراین درجات سعادت‌مندان بر حسب نور معرفت و یقین و ایمان آنها متفاوت خواهد بود، زیرا تقرب به خداوند جز با معرفت و یقین ممکن نیست و معارف، نورند و مؤمنان از همین طریق به لقای الهی میرسند. تفاوت انسانها در کیفیت عبور از صراط بلحاظ سرعت و کندی نیز ناشی از تفاوت در بهره‌مندی از نور معرفت و یقین است.<sup>۲۷</sup>

ملاصدرا بر اساس روایات، صراط را دارای چنگگها، قلابها و سیمهای خاردار میداند که هنگام عبور مانع حرکت انسان میشوند. این چنگگها و...

۲۲. انعام/ ۱۵۳.

۲۳. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۴۳۷.

۲۴. رک: میرزائی، «حقیقت فلسفی صراط و اثبات واحدیت آن»، ص ۸۹-۸۸.

۲۵. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۴۳۸-۴۳۷؛ همو، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، ص ۳۶۷.

۲۶. حدید/ ۱۲.

۲۷. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۳۹۸-۳۹۶؛ همو، المظاهر الالهیة فی اسرارالعلوم الکیمالیة، ص ۱۲۴-۱۲۳؛ همو، اسرار الآیات، ص ۳۲۳؛ همو، شرح الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۱۲.



صورت تجسم یافته اعمال ما، یعنی قیود و تعلقات به امور دنیا هستند که افراد را تا زمانی که شفاعت شامل حال آنها شود یا مشمول عفو الهی گردند، بر صراط نگه میدارند.<sup>۲۸</sup>

### صراط در آیات و روایات

آیات متعددی از قرآن کریم به صراط اشاره دارد ولی از صراط بمعنای پل صراط بصراحت سخنی بمیان نیامده است. تنها آیه‌بی که مفسران آن را ناظر به صراط اخروی میدانند آیه «فاهدوهم الی صراط الجحیم؛ بسوی راه جهنم رهبریشان کنید»<sup>۲۹</sup> است. این آیه نیز تنها به راه جهنم اشاره دارد نه صراط بمعنای پلی بر جهنم. البته بر اساس روایات، آیاتی هستند که به صراط اخروی اشاره دارند. از جمله این آیات، آیه شریفه «إن ربک لبالمرصاد»<sup>۳۰</sup> است که در روایتی از امام صادق (ع)، «مرصاد» به پلی بر صراط تفسیر شده است.<sup>۳۱</sup> در هر صورت، چون این آیات مشتمل بر تفصیل مربوط به صراط نیست از طرح آنها میگذریم و صرفاً با تأکید بر روایات، نکات مطرح شده در متون دینی در مورد صراط را پی میگیریم.

### ۱. همگانی بودن عبور از صراط

بر اساس برخی آیات و روایات، همه انسانها باید از پل صراط بگذرند؛ چنانکه قرآن میفرماید: «وإن منکم الا واردةا کان علی ربک حتماً مقضیاً. ثم ننجی الذین اتقوا و نذر الظالمین فیها جثیاً؛ هیچکس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد میگردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است. آنگاه کسانی که پرهیزگار بوده‌اند را میرهانیم و ستمگران را به زانو درافتاده در [دوزخ] رها میکنیم»<sup>۳۲</sup>. بر اساس این آیه، همه انسانها به آتش وارد میشوند. اما مراد از ورود

به آتش چیست؟

در اینباره نظریات متعددی وجود دارد. برخی ورود را بمعنای داخل شدن، برخی بمعنای حضور، برخی بمعنای شأنت و برخی دیگر بمعنای عبور دانسته‌اند.<sup>۳۳</sup> در صورتی که بمعنای عبور باشد بر روایات صراط منطبق خواهد شد. محدثان بزرگی همچون شیخ صدوق نیز معتقدند این آیه شریفه به صراط نظر دارد.<sup>۳۴</sup>

از سوی دیگر، بر اساس برخی روایات کسانی هستند که از عبور بر پل صراط معافند و محاسبه اعمال ندارند. طبق روایتی از امام صادق (ع)، هر کس در نماز واجب خود سوره مطففین را بخواند، خداوند به او در روز قیامت ایمنی از آتش عطا میکند و بر پل جهنم عبور نمیکند و روز قیامت حسابرسی ندارد.<sup>۳۵</sup> بنابراین در متون دینی از این جهت نوعی ناسازگاری بنظر میرسد که گونه‌بی از ناسازگاری ظاهری بین آیات اثبات حسابرسی اعمال برای همگان و نفی حسابرسی از برخی است.

چنانکه میدانیم در مسئله حسابرسی، برخی آیات بر همگانی بودن حساب، حتی از پیامبران و امتهای

۲۸. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۴۳۸-۴۳۷؛ همو، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، ص ۳۶۷.

۲۹. صافات / ۲۳.

۳۰. فجر / ۱۴.

۳۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۴.

۳۲. مریم / ۷۲-۷۱.

۳۳. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۹۴-۸۹.

۳۴. ابن بابویه، الاعتقادات، ص ۷۰.

۳۵. همو، ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۲۲؛ دیلمی،

أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۸۲؛ عاملی کفعمی، المصباح، ص ۴۵۰.

## ■ ملاصدرا بر مبنای

باور به تشکیکی بودن صراط،

به سه گونه یا مرتبه کلی صراط اشاره

کرده است: صراط وجود، صراط

توحید و صراط شریعت. افراد

بر اساس اعتقادات

و اعمالشان قدم بر این صراطها

میگذارند.

.....

آنها تأکید میکند<sup>۳۶</sup> اما در مقابل، آیاتی هم با این مضمون وجود دارد که از هیچکس در قیامت سؤال نمیشود؛ «فیومئذ لایسئل عن ذنبه انس و لا جان؛ در آن روز از گناهان هیچیک از انس و جن سؤال نمیشود»<sup>۳۷</sup> یا آیه شریفه «ولا یسئل عن ذنوبهم المجرمون؛ از گناه مجرمان سؤال نمیشود»<sup>۳۸</sup>. علاوه بر همه اینها، آیاتی وجود دارد که در آنها تعبیر «بغیر حساب» آمده است. این آیات نشان میدهد که برخی بدون حسابرسی تعیین تکلیف میشوند<sup>۳۹</sup>؛ چنانکه بر اساس برخی روایات، گروهی (مشرکان) بدون حساب وارد دوزخ و گروهی (از مؤمنان) بدون حساب وارد بهشت میشوند.

اندیشمندان اسلامی این دو دسته آیات و روایات را بگونه‌های مختلفی با هم جمع کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره میشود:

۱. مراد از آیات نفس سؤال اینست که خداوند بعنوان استعمال و کشف مجهول از آنان پرسش نمیکند بلکه سؤال بعنوان محکوم کردن کفار و سرکوبی و غلبه بر آنان است، بهمین جهت در ادامه میفرماید: «یعرف المجرمون بسیماهم».

۲. مراد از نفی سؤال، سؤال پس از قطعی شدن حساب افراد و داخل شدن گنهکاران در آتش است.

پس اثبات و نفی سؤال و حساب مربوط به دو زمان است، از اینرو ناسازگاری وجود ندارد.

۳. در قیامت مواقف بسیاری وجود دارد. ممکن است در برخی سؤال و حساب باشد و در برخی دیگر بر دهانها مهر زده شود و اعضای بدن گواهی و شهادت دهند و در برخی مواقف نیز از چهره‌ها وضعیت افراد شناخته شود<sup>۴۰</sup>. بنابراین، اثبات یا نفی حسابرسی مربوط به مواقف مختلف است نه یک موقف، تا موهم ناسازگاری باشد.

۴. مقصود از نفی سؤال و حسابرسی اینست که از آنان سؤال زبانی نمیشود بلکه از اعضای آنها پرسش میشود و آنها بر کرده‌های خویش گواهی میدهند<sup>۴۱</sup>.

۵. ممکن است مراد نفی سؤال بشیوه متعارف در محاکم دنیوی باشد. در محاکم دنیوی از مجرمان و احوال آنها پرسش میشود و سخن آنان شنیده میشود. در این صورت چه بسا مجرم با پوزش و عذرخواهی و بر زبان آوردن و بهم بافتن مطالبی، کیفر را از خود دور کند و عذاب را برزاید. ولی خداوند سبحان به حقیقت احوال مجرمان آگاه است و دفع و رد عذاب او بهیچ وجه ممکن نیست<sup>۴۲</sup>. به بیان دیگر، خداوند در

۳۶. نحل / ۹۳؛ اعراف / ۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، باب ۱۲؛ قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۱.

۳۷. الرحمن / ۳۹.

۳۸. قصص / ۷۸.

۳۹. سبحانی، منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۹۹-۲۹۷؛ همچنین در مورد اصناف مردم در حسابرسی ر.ک: ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۴۲۴؛ فیض کاشانی، علم الیقین، ج ۲، ص ۱۱۶۷-۱۱۶۶.

۴۰. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۶۱۵؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۷۹-۷۸؛ همان، ج ۱۹، ص ۱۰۷؛ سبحانی، منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۹۶.

۴۱. سبحانی، منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۹۶.

۴۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۷۸؛ همان، ج ۱۹، ص ۱۰۷.

قیامت واقعیت یا آثار گناهان را بگونه‌یی در وجود گنهکاران منعکس میکند که هم خود آنان و هم دیگران به مجرم بودنشان واقف میشوند، از اینرو در ادامه آیه «فیومئذ لایسئل عن ذنبه انس و لا جان»، فرمود: «یعرف المجرمون بسیماهم و...»<sup>۴۳</sup>. بنابراین آیات نفی سؤال در قیامت به تفاوت شیوه سؤال در آخرت نظر دارد و بمعنای نفی مطلق حساب و سؤال نیست.

## ۲. تفاوت انسانها در گذر از پل صراط

چنانکه از روایات برداشت میشود، صرفنظر از افرادی که امکان عبور از صراط را نداشته و سقوط میکنند، کسانی که عبور میکنند و از آن میگذرند نیز حالت واحدی ندارند. در روایتی از امام صادق(ع) به چند دسته اشاره شده است: برخی برق آسا، برخی بسرعت دویدن اسب، برخی آرام و قدم‌زنان، برخی سینه‌خیز و...<sup>۴۴</sup> در روایت دیگری از امام صادق(ع) آمده است که صراط تاریک است و مردم بمیزان نور خود بر آن حرکت میکنند<sup>۴۵</sup>. از آنجا که نور افراد با هم متفاوت است، چنین روایاتی بر تفاوت افراد در عبور از صراط نیز دلالت میکنند.

از این دو روایات، وحدت صراط اخروی با صراط دنیوی استفاده شده است، زیرا امام(ع) در روایت اول، صراط را بمعنای راه شناخت معنا کرده است و سپس میفرماید این صراط خود دو صراط است، در روایت دوم نیز تعبیر «الصراط المستقیم صراطان» اشاره به نوعی اتحاد دو صراط دارد<sup>۴۶</sup>.

## ۳. ویژگیهای صراط

صراط در روایات با این دو ویژگی توصیف شده است: از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر. در اینکه دقیقاً مراد از

این دو چیست، اختلاف نظرهایی وجود دارد. با توجه به مبنای بسیاری از اندیشمندان شیعه که پل صراط را بر امر مادی جسمانی حمل نمیکنند، باریکی و تیزی آن را نیز بر غیر معنای ظاهر حمل کرده‌اند؛ از جمله شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد مینویسد: مراد اینست که کافر بعلت ترس و وحشتی که در قیامت بر او عارض میشود، بر صراط ثبات قدم ندارد، از اینرو بمانند کسی بر آن راه می‌رود که بر چیزی از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر راه می‌رود. و این ضرب المثلی شده که حاکی از شدت و سختی عبور کافرا از صراط است<sup>۴۷</sup>.

## ۴. گونه‌های صراط

در روایات صراط دو گونه دانسته شده است: صراط دنیا و صراط آخرت. برخی روایات صراط دنیا را به امام مفترض الطاعة و صراط آخرت را به پل جهنم تفسیر کرده‌اند. مفضل بن عمر میگوید از امام صادق(ع) در مورد صراط سؤال کردم؛ آن حضرت فرمود: «صراط راه شناخت خداوند است و دو صراط وجود دارد: صراطی در دنیا و صراطی در آخرت. اما صراط در دنیا امامی است که اطاعت او واجب است. هر کس او را بشناسد و به هدایتش اقتدا کند، در آخرت از صراطی که پل جهنم است عبور خواهد کرد و هر کس او را در دنیا نشناسد، گام‌هایش بر صراط میلغزد و در آتش جهنم سقوط میکند»<sup>۴۸</sup>.

۴۳. سبحانی، منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۹۶.

۴۴. ابن بابویه، امالی، ص ۱۷۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۴.

۴۵. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۸۵.

۴۶. وکیلی، صراط مستقیم، نقدی بر مبانی مکتب تفکیک، ص ۱۱۷-۱۱۶.

۴۷. مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۱۰-۱۰۹.

۴۸. ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۳۳؛ عروسی حویزی، نور الثقین، ج ۱، ص ۲۱.

از امام حسن عسکری (ع) نیز در مورد آیه شریفه «اهدنا الصراط المستقیم» سؤال شد، آن حضرت فرمود: صراط مستقیم، دو صراط است: صراطی در دنیا و صراطی در آخرت. صراط مستقیم در دنیا آن است که از غلو کوتاهتر و از تقصیر بلندتر (یعنی در میانه افراط و تفریط) و مستقیم است، در نتیجه به چیزی از باطل، متمایل نیست. اما راه دیگر، راه مؤمنین است که بسوی بهشت و مستقیم است. مؤمنان از بهشت نه به آتش و نه به غیر آن متمایل نمیشوند و بجز راه بهشت راهی دیگر نمیروند.<sup>۴۹</sup>

#### ۵. معرفی پیامبر، ائمه و اولیای الهی بعنوان صراط مستقیم

روایات متعددی وجود دارد که حجج الهی را بعنوان صراط مستقیم معرفی کرده است؛ از جمله «والله نحن الصراط المستقیم» یا «علی هو الصراط المستقیم»<sup>۵۰</sup>. همچنین از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «ان الصورة الانسانية هی الطريق المستقیم الی کل خیر و الجسر الممدود بین الجنة والنار؛ صورت انسانی همان راه راست بسوی هر خیری است و پلی است که بین بهشت و آتش امتداد دارد»<sup>۵۱</sup>.

بر اساس این روایت، صراط و رونده یک چیزند، که پیش از این توضیح آن گذشت. امام صراط مستقیم است. او دقیقاً بر صراط مستقیم راه می‌رود. هر کس امام را بشناسد و بر صراط او چه با سرعت و چه با کندی، بر اساس بهره‌یی که از نور و معرفت به او دارد، قدم بردارد، داخل بهشت میشود و از آتش میرهد، اما کسی که امام را نشناسد در آتش سقوط میکند.<sup>۵۲</sup>

این روایت در کنار سایر روایاتی که صراط را ائمه و بطور خاص امام علی (ع) معرفی میکنند<sup>۵۳</sup>، چنین معنا میشود که مراد از صورت انسانی، صورت انسان

کامل است که بر اولیای الهی و ائمه اطهار تطبیق میکند. سایر افراد انسان صرفاً قابلیت انسان بودن را دارند و بالفعل تنها اولیای الهی و امام علی (ع) است.<sup>۵۴</sup>

#### ۶. عبور پیامبر با نور الهی، امام علی (ع) با نور پیامبر و امت پیامبر با نور امام علی (ع)، از پل صراط

در تفسیر فرات بن ابراهیم از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! آیا به تو بشارت دهم که با چه چیزی از صراط عبور خواهی کرد؟ به او گفتم آری. جبرئیل گفت: تو با نور الهی و علی با نور تو، که نور تو از نور خداست، و امت تو به نور علی و نور علی نیز از نور توست. هر کس که خدا برای او نوری قرار نداده است هیچ نوری نخواهد داشت.<sup>۵۵</sup> از این رو در روایات دیگر ولایت امام علی (ع) شرط عبور از صراط شمرده شده است. حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) به امام علی (ع) فرمود: ای علی هرگاه روز قیامت بیاگردد من و تو و جبرئیل بر صراط مینشینیم و هیچکس حق عبور ندارد، جز با برگه عبوری که بسبب ولایت تو، تبرئه و رهاییش در آن ثبت شده باشد.<sup>۵۶</sup> ولایت

۴۹. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۴۴؛ ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۳۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۷۰-۶۹.

۵۰. رک: عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۲-۲۰.

۵۱. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۸۶.

۵۲. همانجا.

۵۳. استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العتره الظاهرة، ص ۳۰؛ التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۴۴؛ ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۳۵.

۵۴. حسینی تهرانی، معادشناسی، ج ۸، ص ۷۰.

۵۵. کوفی، تفسیر فرات الکوئی، ص ۲۸۷؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۵۶.

۵۶. ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۳۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۶.

امام (ع) از اموری است که از انسان سؤال میشود و آیه شریفه «و قفوههم انهم مسئولون»<sup>۵۷</sup> به آن اشاره دارد.<sup>۵۸</sup>

## ۷. پرسش از انسان در پل صراط

بر اساس برخی روایات، با برپایی قیامت و قرار گرفتن صراط بر جهنم، سه پل بر آن نهاده میشود: بر یکی از آنها امانت و رحم، بر دومی نماز و بر سومی عدل پروردگار است و همگان میبایست از آنها عبور کنند. از اینرو ابتدا در مورد رحم و امانت حسابرسی میشوند، اگر از آن نجات یافتند نماز آنها مورد محاسبه قرار میگیرد، اگر از این هم گذشتند، سرانجام و پایان کار بسوی رب العالمین است.<sup>۵۹</sup> از ابن عباس نیز روایت شده که تصریح میکند بر پل صراط هفت ایستگاه بازرسی وجود دارد که در هر یک از یک مسئله و در مجموع، از هفت مسئله سؤال میشود: ولایت علی و محبت اهل بیت (ع)، نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، مظالم.<sup>۶۰</sup>

## ۸. محبوس شدن برخی هنگام عبور از صراط و به تأخیر

### افتادن حسابرسی

برخی افراد بعلت گناهان خاصی که انجام داده‌اند، بر روی پل صراط محبوس میشوند و خداوند حسابرسی آنها را تا پایان حسابرسی سایر خلائق به تأخیر می‌اندازد، پس از آن او به جهنم سقوط میکنند و در طبقات آن عذاب میبینند تا به انتهای آن برسند.<sup>۶۱</sup> همچنین بر اساس برخی روایات که در کتب تفسیری نقل شده است، صراط دارای چنگکها و قلابهایی است<sup>۶۲</sup> که این خود موجب کند شدن حرکت برخی افراد میشود.

## ۹. شفاعت پیامبر اسلام بر صراط

رسول گرامی اسلام که دارای مقام شفاعت است،

برخی را بر صراط شفاعت میکند. بر اساس روایتی، حضرت فاطمه (س) از رسول گرامی اسلام پرسید: روز قیامت تو را کجا دیدار کنم. آن حضرت فرمود: به من نگاه کن نزد مقام شفاعتم بر پل جهنم<sup>۶۳</sup>؛ که همان پل صراط است. این شفاعت مانع سقوط در جهنم میشود.

## ارزیابی و نتیجه‌گیری

رابطه دنیا و آخرت از دیدگاه ملاصدرا، رابطه ظاهر و باطن است؛ آخرت باطن این عالم و این عالم مظهر آن است. حتی هر یک از عقائد، اعمال، اخلاق و نیت‌های انسانی نیز ظاهری دارد و باطنی و در آخرت، که عالم ظهور بواطن است، باطن اعمال انسان آشکار و هویدا میگردد؛ همچنانکه دنیا و آخرت و بلکه هر یک از نشئات وجودی، دارای اقتضائات و آثار خاصی نیز هست و یک حقیقت میتواند در نشئات مختلف صورتهای متفاوتی داشته باشد. صورت آب را در نظر بگیرید، وقتی در جسمی که پذیرای رطوبت است تأثیر میکند، آن جسم، آن را میپذیرد و مانند آن مرطوب میشود. اما وقتی صورت آب در قوای حسی یا خیالی تأثیر میگذارد، این دو قوه مرطوب نمیشوند بلکه پذیرای صورت مثالی رطوبت میشوند. نتیجه اینکه، آب در نشئه خیالی اثری غیر از نشئه حسی دارد. همچنین وقتی نفس ناطقه یا قوه عقلی آن را

۵۷. صفات / ۲۴.

۵۸. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۸.

۵۹. همان، ص ۶۵؛ قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۲۱.

۶۰. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۴.

۶۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۴۴.

۶۲. حسنی، الطرایف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۲،

ص ۳۴۸؛ میدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱، ص ۱۹.

۶۳. شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۷۶.

میپذیرد، ظهور دیگری از رطوبت که همان صورت عقلی آن باشد، تحقق می‌یابد. ملاصدرا با این مثال نشان می‌دهد که یک حقیقت می‌تواند در نشئات مختلف صورتهای متفاوتی داشته باشد. عقائد، اعمال، صفات و ملکات نفسانی نیز همینگونه‌اند؛ چنانکه خوردن مال یتیم به آتش و دوستی دنیا و شهوات دنیوی و اعراض نفسانی نیز به مارها و عقربهایی تبدیل میشوند که دنیاپرستان و شهوترانان را می‌گزند.<sup>۶۴</sup>

ملاصدرا بر اساس همین رویکرد در مسئله ربط و نسبت دنیا و آخرت و مسئله تجسم اعمال، بسیاری از عناصر آموزه معاد را تبیین کرده و از ثمرات آن در حل و فصل مسائل متعدد حوزه معادشناسی بهره گرفته است<sup>۶۵</sup>؛ تا آنجا که بصراحت از این سخن گفته است که جهنم باطن عالم طبیعت و تعلقات دنیوی است، از اینرو دروازه‌های شناخت طبیعت در حقیقت درهای جهنمند. همچنین با پیوند حسابرسی در قیامت با نامه عمل، حسابرسی را همان تجلی حقیقت نامه اعمال برای انسان در قیامت و ظهور و بروز اعمال انسان در قیامت میدانند.

تبیین ملاصدرا از صراط نیز در همین راستا و با همین رویکرد صورت گرفته است. همانطور که گذشت، او پل صراط را در آخرت، باطن صراط در دنیا دانست و بر همین اساس تلاش کرد تا آنچه در آموزه‌های اسلامی در مورد صراط آمده را بصورتی تبیین کند که با تبیین کلی او از صراط و آخرت هماهنگ و منسجم باشد.

اکنون که باختصار با تبیین صدرایی از صراط و نیز با عمده نکاتی که در قرآن و روایات درباره صراط آمده آشنا شدیم، در ارزیابی تبیین صدرایی نکات نیز قابل توجه است:

۱- در تبیین حقیقت صراط در آخرت و تحلیل ویژگیهای آن، اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. بسیاری از اندیشمندان و متکلمان اسلامی تأکید دارند که پل صراط همچون پلهایی نیست که در دنیا بنا میشود. از اینرو بسیاری از روایات این باب نباید به ظاهر خود حمل شوند. ملاصدرا نیز بر همین باور است. او بر اساس مبنای پیشگفته در مسئله معاد، پل صراط را بروز، ظهور و تجسم صراط در دنیا و باطن آن دانسته و کوشیده است ویژگیهای مذکور در روایات را نیز با تبیین خود هماهنگ سازد. پذیرش یا رد این تبیین و داوری در مورد تفاسیر صدرایی از مواقف قیامت در گرو اظهار نظر در مورد اصول ملاصدرا در مسئله معاد و بررسی رویکرد وی در مورد همه عناصر آموزه معاد، نظیر نامه اعمال، میزان و... است که در نهایت به داوری در مورد دیدگاه وی نسبت به ماهیت آخرت باز میگردد.

۲- حاصل مطالب گذشته نشان می‌دهد که ملاصدرا صراط را دارای واقعیتی خارجی میداند از اینرو برداشت برخی<sup>۶۶</sup> که پنداشته‌اند ملاصدرا صراط را صرفاً حرکت نفس میداند، نه اینکه پلی واقعی بر روی جهنم باشد که مردم از آن عبور کنند، نادرست است. ملاصدرا هر چند امور اخروی را از منشئات نفس و محصول قوه خیال دانسته است اما مراد او از خیال، معنای رایج آن نبوده بلکه موجودات خیالی و برزخی از دیدگاه او نه تنها از واقعیت خارجی برخوردارند که بلحاظ وجودی به مراتب قویتر و

۶۴. ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۱۰۱۸؛ همو، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکیة، ص ۲۷۶-۲۷۵ و ۳۸۷-۳۸۶؛ همو، العرشیه، ص ۲۸۳-۲۸۲.  
 ۶۵. رک: کرجی، شواهد قرآنی برخی مضامین حکمت متعالیه، ص ۴۶۲-۴۲۱.  
 ۶۶. فاضل، معاد (سلسله دروس استاد سیدان)، ص ۹۵-۹۱.

شدیدتر از موجودات عالم ماده‌اند. ملاصدرا که گویا خود نیز نگران چنین برداشت ناصوابی از کلمات خود بوده بخوبی این نکته را تذکر داده است:

وایاک أن تعتقد هذه الأمور التي يراها الإنسان بعد موته من أحوال القبر واهوال القيامة، أموراً موهومة محضة متخيلة صرفة لا وجود لها في الأعيان - كما زعمه كثير من المنتسبين إلى الحكمة و المتشبهين بالحكماء - هيهات هيهات، هذا عندنا كفر بحسب الشريعة و ضلال بحسب الحكمة بل «الناس نيام فاذا ماتوا انتبهوا» و امور الآخرة، أقوى وجوداً و أشدّ تحصلاً و أقوى تأثيراً من وجودات هذا العالم؛ بپرهیز از اینکه گمان کنی آنچه انسان پس از مرگ از احوال قبر و احوال قیامت میبیند موهوم محض و تخیل صرف است که در خارج واقعیتی ندارد. چنانکه بسیاری از آنانکه خود را به حکمت نسبت داده و شبیه به حکما نموده‌اند، پنداشته‌اند - هیهات، هیهات؛ این باور به اعتقاد ما از جهت شرعی، کفر و از جهت حکمت، ضلالت و گمراهی است، بلکه مردم در خوابند و پس با مرگ بیدار میشوند. امور و حقائق اخروی، نسبت به موجودات این عالم، از حیث وجود، تأثیرگذاری و تحقق قویتر و شدیدتری دارند.<sup>۶۷</sup>

۳- آنچه ملاصدرا در مورد ویژگیها، کاربردها و گونه‌های صراط، عینیت صراط با حجت‌های الهی و نیز همگانی بودن عبور از صراط مطرح کرده است، نشان دهنده تلاش او در ارائه تبیینی معقول از مفاد روایات است که عمدتاً با تبیین کلی او از صراط سازگار است و این بدان معناست که نظریه او در تبیین صراط از انسجام درونی برخوردار است. او همچنین در تبیین

■ ملاصدرا در تبیین خود از صراط به تفاوت انسانها در گذر از پل صراط، که روایات متعددی در اینباره وجود دارد، توجه کرده و خاستگاه این تفاوت را بخوبی نشان داده است. بر اساس آنچه گذشت، درجات قرب و بعد انسانها و درجات بهره‌مندی آنها از علوم و معارف الهی و عمل به واجبات و محرمات، در چگونگی عبور آنها از پل صراط مؤثر است.

.....  
خود از صراط به تفاوت انسانها در گذر از پل صراط، که روایات متعددی در اینباره وجود دارد، توجه کرده و خاستگاه این تفاوت را بخوبی نشان داده است. بر اساس آنچه گذشت، درجات قرب و بعد انسانها و درجات بهره‌مندی آنها از علوم و معارف الهی و عمل به واجبات و محرمات، در چگونگی عبور آنها از پل صراط مؤثر است.

۴- ملاصدرا در مورد برخی محورهای مطرح در روایات بتفصیل وارد نشده است؛ مثلاً برای شفاعت بر صراط یا حسابرسی بر صراط و تأخیر در آن، توضیحی ارائه نکرده است، هر چند به موانع عبور از صراط و روایات ناظر به این معنا اشاره کرده و از عفو و بخشش خداوند و نیز برخورداری عده‌یی از شفاعت سخن گفته است. بدیهی است با توجه به نوع تبیین وی از مسئله صراط و مبنای او در مورد حسابرسی اعمال، همه این مسائل تبیینی تکوینی پیدا میکند و آیات و روایات نباید به ظاهر خود حمل شود.

۶۷. ملاصدرا، المبدأ والمعاد، ج ۲، ص ۶۸۰؛ همو، العرشیه، ص ۲۵۸؛ همو، الحكمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۲۴۴.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي (ع)، ۱۴۰۹ق.
- ابن بابويه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الاعتقادات، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
- ، امالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
- ، ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، قم، شریف رضی، ۱۴۰۶ق.
- ، معانی الأخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹.
- استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، تصحيح حسين استاد ولي، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۹ق.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسرار، ۱۳۷۸.
- حسینی، سید بن طاووس، الطرایف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم، خیام، ۱۴۰۰ق.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین، معاد شناسی، مشهد، نور ملکوت قرآن، ۱۴۲۳ق.
- دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدين في صفات المؤمنين، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۹.
- سبزواری، ملاهادی، اسرار الحكم، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۳.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف، مطبعة الحیدریة، بی تا.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسلامی، ۱۳۷۹.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، لبنان، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.
- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، قم، دار الرضی، ۱۴۰۵ق.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
- فاضل، جعفر، معاد (سلسله دروس استاد سیدان)، مشهد، یوسف فاطمه (ع)، ۱۳۸۲.
- فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تصحیح حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
- ، علم الیقین، قم، بیدار، ۱۳۷۷.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کرجی، علی، شواهد قرآنی برخی مضامین حکمت متعالیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تصحیح محمد کاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید)، تصحیح اعتقادات الامامیه، تصحیح حسین درگاهی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
- ملاصدرا، اسرار الآيات، تصحیح و تحقیق محمد علی جاودان، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، الحکمة المتعالیه فی الأسفار الأربعة، ج ۹، تصحیح و تحقیق رضا اکبریان، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۲.
- ، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية، تصحیح و تحقیق مصطفی محقق داماد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۲.
- ، العرشیه، تصحیح و ترجمه غلامحسین آهنی، تهران، مولی، ۱۳۶۱.
- ، المبدأ و المعاد، تصحیح محمد ذبیحی و جعفر شاه نظری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۱.
- ، المظاهر الالهية فی أسرار العلوم الكمالية، تصحیح و تحقیق سید محمد خامنه ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۷۸.
- ، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، تصحیح و تحقیق محمد خواجوی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، شرح الاصول من الکافی، ج ۲، تصحیح مهدی رجائی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۵.
- ، مفاتیح الغیب، تصحیح و تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۶.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- میرزائی، سجاد، «حقیقت فلسفی صراط و اثبات واحدیت آن»، اندیشه نوین دینی، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۵.
- وکیلی، محمدحسن، صراط مستقیم، نقدی بر مبانی مکتب تفکیک، بیجا: ناشر مؤلف، ۱۴۲۹ق.